

Cyberspace Filtering: Its Nature and Legal Issues

Mohammadsadegh Nasrollahi¹

Abstract

Cyberspace is one of the major components of the modern life. This has led governments to concern about its regulation and consequently, they found filtering as an effective solution. This paper undertakes a legal approach towards cyberspace filtering and attempts to answer the following questions: 1. From the legal point of view, what is cyberspace filtering and how important is this issue? 2. What are the challenges and legal issues involved in internet filtering (filtering of the internet)? This research takes on the library method to deal with the research questions. Regarding the first question, filtering is introduced as a means of “Situational Prevention of the Crime” that results in blocking the tools and opportunities of materializing a crime. The paper unfolds the second question in four aspects. First, co-regulation represents an appropriate legal system of cyberspace filtering. Second, the opposition between filtering and freedom of expression reveals the fact that filtering is based on the black list and emphasizes on the definition of criminal contents. Third, in the conflict between filtering and privacy, it is recommended to filter the communicators’ domain rather than the communicatees’. Finally, in respect to the legal challenge of recognizing anti-filtering as a crime, the paper suggests to engage criminology in the domain of production, distribution and sale. As a consequence, the emphasis is to avoid and minimize criminalizing the users. This is due to the widespread domain of the users, the impossibility of preventing and criminalizing the users and creating a culture of Removing bad of breaking the law.

Keywords: Refinement, cyberspace, filtering, Internet, situational prevention.

1- Associate Professor, Department of Culture and Governance, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadeq University, Tehran, Iran
Msadegh.nasrollahi@gmail.com

ماهیت و مسائل حقوقی پالایش فضای مجازی

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۲۵

محمدصادق نصراللهی^۱

چکیده

فضای مجازی و اینترنت امروزه به یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های زندگی بشر در عرصه فردی و اجتماعی بدل شده است. همین امر، سبب شده، نظم‌بخشی آن به دغدغه عمومی حاکمیت‌ها تبدیل شود. در این میان، پالایش فضای مجازی یکی از راه‌حل‌های نظم‌بخشی محسوب می‌شود. این مقاله، با اتخاذ رویکرد حقوقی به مقوله مهم و اثرگذار پالایش فضای مجازی به دنبال پاسخگویی به دو سؤال است: ۱- از منظر حقوقی، پالایش فضای مجازی چیست و چه اهمیتی دارد؟ ۲- چالش‌ها و مسائل حقوقی پالایش فضای مجازی چیست؟ این پژوهش با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، در پاسخ به سؤال اول، پالایش فضای مجازی را به‌عنوان راهی برای «پیشگیری وضعی از جرم» معرفی می‌کند که سبب می‌شود ابزار و فرصت ارتکاب به جرم از کاربران سلب شود. در پاسخ به سؤال دوم نیز، اولاً مقررات‌گذاری مشترک به‌عنوان نظام مطلوب حقوقی پالایش فضای مجازی معرفی شده است. ثانیاً در تراحم میان پالایش و آزادی بیان و اطلاعات، بر مبتنی بودن پالایش بر فهرست سیاه و همچنین شاخص‌سازی برای محتوای مجرمانه تأکید شده است. ثالثاً در اصطکاک میان پالایش و حریم خصوصی، پالایش حوزه ارتباط‌گران و نه ارتباط‌گیران توصیه شده است و در نهایت نیز در چالش حقوقی جرم‌انگاری پالایش‌گریزی، ضمن پیشنهاد جرم‌انگاری حوزه تولید، توزیع و فروش آن، بر اجتناب از جرم‌انگاری حوزه مصرف به‌دلیل همه‌گیری آن و عدم امکان اجرایی نمودن برخورد با آن و بالتبع ایجاد فرهنگ قبح‌زدایی از قانون‌شکنی تأکید شده است.

واژگان کلیدی

پالایش، فضای مجازی، فیلترینگ، اینترنت، پیشگیری وضعی.

۱. دانشیار فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران

مقدمه

با ظهور اینترنت و فضای مجازی، شاهد شکل‌گیری عصری جدید موسوم به عصر اطلاعات هستیم. عصری که در آن داشتن اطلاعات به‌عنوان اصلی‌ترین سرمایه و منبع قدرت تلقی می‌شود. همین جایگاه خاص اینترنت سبب شده است که علی‌رغم منافع و مزایای فراوان آن، مورد سوءاستفاده‌ها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی قرار گیرد. همین امر سبب شده است که تدابیر حاکمیتی و بین‌المللی جهت کنترل و نظارت بر آن طراحی و اجرا شود.

یکی از این تدابیر در سطح حاکمیتی، پالایش و فیلترینگ فضای مجازی است. حاکمیت‌ها به اشکال مختلف تلاش می‌کنند که از انتشار و دسترسی اطلاعات مجرمانه جلوگیری به‌عمل آورند. امروزه پالایش فضای مجازی در اکثر کشورهای جهان، کم یا زیاد اجرا شده است و می‌توان گفت که یک اقدام ثابت و لازم جهت ایجاد فضای مجازی سالم است.

هدف از این مقاله، ارائه تحلیل حقوقی پیرامون مسئله مستحذته و مبتلابه «پالایش فضای مجازی» است. در این جهت، دو ساحت کلی از هم تفکیک شده است: در ابتدا تلاش می‌شود که ماهیت حقوقی پالایش بررسی شده و نشان داده شود که پالایش از منظر حقوقی چیست؟ پس از آن، سعی می‌گردد مسائل و چالش‌های حقوقی پیرامون پالایش فضای مجازی بحث و بررسی شوند.

در جهت تحقق این هدف، ابتدا ذیل سرعنوان «چهارچوب مفهومی»، به مفهوم‌شناسی دو اصطلاح «ماهیت و مسائل حقوقی» و «پالایش فضای مجازی» می‌پردازیم؛ سپس، با عنوان «ماهیت حقوقی»، چیستی حقوقی پالایش فضای مجازی مورد کنکاش قرار می‌گیرد؛ درنهایت نیز با سرفصل «مسئله‌شناسی حقوقی»، نکات، مسائل و چالش‌های حقوقی پالایش فضای مجازی احصاء می‌شود.

۱- چهارچوب مفهومی

مروری بر عنوان این مقاله نشان می‌دهد که با دو اصطلاح کلیدی مواجه هستیم:

۱- ماهیت و مسائل حقوقی، ۲- پالایش فضای مجازی. در این بخش برآنیم که مقصود مقاله را از استعمال این دو اصطلاح تشریح کرده و نشان دهیم که منظور نگارندگان چیست؟ این امر از دو جهت اهمیت دارد: اولاً ذهن نویسندگان نسبت به مسئله و حدود و ثغور آن بیش از پیش روشن می‌شود و همین امر متضمن حرکت هدفمندتر در یک پژوهش است. ثانیاً به خوانندگان این اشعار را می‌دهد که این واژگان اصلی بر اساس چه چهارچوب مفهومی‌ای به کار گرفته شده‌اند و بر همین اساس، از تشویش ذهنی آنان جلوگیری به عمل می‌آورد.

۱-۱- ماهیت و مسائل حقوقی

برای حقوق تعاریف مختلفی به کار برده‌اند. در این مقاله، دو تعریف از حقوق مدنظر است: ۱- مجموعه قواعد و مقررات الزام‌آوری اطلاق می‌شود که بر روابط افراد از این حیث که در اجتماع زندگی می‌کنند؛ حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین شده است (حیاتی، ۱۳۸۶، ص ۷) و ۲- دانشی است که به تحلیل قواعد حقوقی و سیر تحول آن می‌پردازد (کاتوزیان، ۱۳۸۲، صص ۱۳-۱۴). بر اساس این دو تعریف، هنگامی که سخن از ماهیت حقوقی پالایش به میان می‌آید، بدان معناست که اولاً پالایش از منظر عملی قواعد و مقررات الزام‌آور و ثانیاً از نگاه نظری دانش حقوق، چیست و دارای چه چهارچوب مفهومی‌ای است؟ همچنین آنگاه که مسائل حقوقی پالایش مطرح می‌شود، به دنبال آن هستیم که عوارض و چالش‌های نظری و عملی که در ساحت قوانین و مقررات الزام‌آور و گزاره‌ها و اصول نظری دانش حقوق پدیدار می‌شود، بررسی کنیم. این مسائل بیشتر ناظر به بعد شیوه‌های پالایش می‌باشد.

۱-۲- پالایش فضای مجازی

این اصطلاح از دو کلیدواژه تشکیل شده است: ۱- پالایش و ۲- فضای مجازی. ابتدا به مفهوم‌شناسی پالایش پرداخته و سپس به معنای فضای مجازی می‌پردازیم.

۱-۲-۱. پالایش

واژه «پالایش»، معادل فارسی واژه «فیلترینگ»^۱ در نظر گرفته شده است. واژه «فیلتر» در لغت‌نامه‌های زبان انگلیسی، در دو جایگاه اسمی و فعلی آمده است. فیلتر به‌عنوان اسم نوعاً به‌وسیله‌ای برای تصفیه مایعات و گازها از ناخالصی‌ها گفته می‌شود. در کنار این معنای غالبی، از وسیله‌ای برای کنترل نور، صدا و ... نیز سخن به میان آمده است. آنچه که برخی لغت‌نامه‌ها به آن اشاره دارند که به‌معنای اصطلاحی ما نیز نزدیک می‌شود فیلتر به‌عنوان برنامه‌ای برای تصفیه‌کردن اطلاعات و محدود کردن انتقال آن است. در مجموع، درون‌مایه معنایی فیلتر در جایگاه اسمی آن، وسیله تصفیه‌کردن، ابزار محدود کردن عبور هر چیز، حذف کردن مواد ناخواسته و ... است. فیلتر در واقع همان چیزی است که در زندگی روزمره ما تحت عنوان صافی شناخته می‌شود (شکرخواه، ۱۳۷۰، ص. ۴۴) و اجازه می‌دهد که ما بر اساس اندازه گره‌های صافی، مایعاتی مانند آب و شربت را از مواد ناخالص آن بزدااییم و آن را تمیزتر و خالص‌تر کنیم. برای فیلتر به این معنا می‌توان معادل فارسی مناسب «پالایه» را برگزید.

اما معنای فعلی فیلتر نیز جدا از معنای اسمی آن نیست. اگر فیلتر اسمی ناظر به ابزار تصفیه و ممانعت است، فیلتر به‌عنوان فعل ناظر به عمل تصفیه کردن و ممانعت کردن می‌باشد (Mopris, 1982, p. 492; Summer, 2008, 592-593; Wehmeier, 2005, 573-574). طبیعی است که فیلترینگ به‌عنوان مصدر، به‌معنای «تصفیه و ممانعت» است.

نقطه شروع منظور اصطلاحی این مقاله از واژه پالایش یا فیلترینگ، معناشناسی رایج آن در «علوم رایانه‌ای» و «فناوری اطلاعات» است؛ زیرا این دانش، علم مادر به‌کاربرنده آن در حوزه فضای مجازی و فناوری اطلاعات است. نکته ابتدایی قابل اشاره اینکه معنای اصطلاحی رایانه‌ای پالایش از معنای لغوی آن دور نیست و درون‌مایه تصفیه کردن در آن نیز ملحوظ است. در واژه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در تعریف پالایش اطلاعات چنین آمده است: «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات ناخواسته در یک مسیر اطلاعاتی» است. از این تعریف چند نکته قابل استنتاج است: ۱- پالایش از جنس

1. Filtering

سلب، ممانعت، محدودیت و نفی است و جنبهٔ ایجابی ندارد. ۲- این سلب و جلوگیری نسبت به اطلاعات ناخواسته اعمال می‌شود. اصطلاح داده یا اطلاعات ناخواسته، ناظر به نیت، هدف و غرض پالایش‌کننده است. یعنی او ملاک‌ها و معیارهایی دارد که بر اساس آن اجازه نمی‌دهد اطلاعاتی عبور کند. پس فیلترینگ امر صرفاً فنی نیست بلکه غرض نیروی انسانی در آن لحاظ شده است. ۳- طبق این تعریف، پالایش در مسیر جابه‌جایی اطلاعات است. همان چیزی در علم ارتباطات به نام «مجرا»^۱ شناخته می‌شود.^۲

برخی تعاریف اصطلاحی علم رایانه، پالایش و فیلترینگ را به دو معنای عام و خاص به‌کار برده‌اند. معنای عام فیلترینگ عبارت است از: فناوری‌هایی که از دستیابی به انواع خاص اطلاعات یا بسته‌های ویژه‌ای از محتوای اینترنتی در دسترس، جلوگیری به عمل می‌آورد؛ اما تعریف خاص فیلترینگ عبارت است از جلوگیری از دسترسی به اطلاعات بر مبنای محتوای اطلاعات و نه آدرس تارنما (Greenfield et al., 2001, p. 5) که این معنای خاص از فیلترینگ بیشتر در مقابل واژه «بلوک کردن»^۳ به‌کار می‌رود. طبق این تفکیک، ما تارنما را بلاک می‌کنیم و محتوا را پالایش و فیلتر. پس هنگامی که دسترسی به کل یک تارنما ممنوع شده است، در اصطلاح گفته می‌شود تارنمای بلاک‌شده و در صورتی که بخشی از محتوای آن ممنوع شده باشد، فیلتر شده است. نکات قابل برداشت از تعریف، غیر از تفکیک مذکور، عبارت‌اند از: ۱- اصل فیلترینگ یک امر فنی است. ۲- فیلترینگ بر خلاف تعریف پیشین در مرحلهٔ دسترسی به اطلاعات و نه در مرحلهٔ انتقال، تولید و ارسال اجرا می‌شود. این بدان معناست که فیلترینگ نسبت به ارتباط‌گیر و گیرنده اعمال می‌شود. بر این اساس اطلاعات به‌صورت کلی در جریان است، به محض درخواست دریافت محتوایی خاص از سوی کاربر و ارتباط‌گیر، فیلترینگ اعمال می‌شود. ۳- فیلترینگ ناظر به اطلاعاتی است که در بستر اینترنت است و نه شبکه‌های دیگر.

در ویکی‌پدیای فارسی ذیل اصطلاح «فیلترینگ اینترنت در ایران»، فیلترینگ را چنین

1. Channel

۲. طبق این تعریف، پالایش در مرحلهٔ تولید اطلاعات توسط «ارتباط‌گر» یا «فرستنده» اعمال نمی‌شود. همچنین پالایش در مرحلهٔ دریافت اطلاعات توسط «ارتباط‌گیر» یا «گیرنده» پیاده نمی‌شود.

3. Blocking

تعریف کرده است: «اعمال سانسور، محدودیت و نظارت ساختاریافته و هدفدار بر دسترسی به محتوای وبگاه‌ها و استفاده از خدمات اینترنتی». در این تعریف، اولاً از واژه سانسور استفاده است. این واژه دارای قدمتی بیش از فیلترینگ در حوزه ارتباطات و رسانه‌ها است و می‌توان گفت که پیشینه تاریخی‌ای به عمر اولین رسانه‌های همگانی همچون کتاب و مطبوعات دارد.^۱ در این مدت مدید، چه در غرب و چه در ایران، آراء و نظرهای گوناگونی در موافقت و مخالفت با آن، حدود و ثغور آن و مزایا و معایب آن مطرح شده است. ثانیاً این تعریف، ضمن اذعان به ماهیت محدودیت‌بخشی فیلترینگ، آن را به دو صفت متصف می‌کند: الف- ساختاریافته ب- هدفدار. به نظر می‌رسد واژه ساختار بیشتر به جنبه سخت‌افزاری و نهادی فیلترینگ اشاره دارد. یعنی فیلترینگ توسط یک نهاد و ساختار مشخص اعمال می‌شود. کما اینکه در ایران این کار توسط کارگروه تعیین مصادیق انجام می‌شود. در کنار این واژه، هدفدار را داریم که ناظر به جنبه نرم‌افزاری فیلترینگ است. به این معنا که فیلترینگ بر اساس یک یا چند هدف انجام می‌شود. این اهداف در واقع نظام ارزشی ما در تعیین محتوایی تحت عنوان محتوای مجرمانه است پالایش می‌شوند.

در پایان اگر بخواهیم تعریف نهایی مورد نظر در این مقاله را ارائه کنیم، باید گفت که پالایش عبارت است از: «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار در فضای مجازی».

۲-۲-۱. فضای مجازی

فضای مجازی در لغت، واژه فضای مجازی -که برای آن معادل فارسی زیبا و مناسب «رایاسپهر» نیز به کار رفته (رک. بل، ۱۳۹۰)- متشکل از دو واژه «فضا» و «مجازی آ» است.^۲

۱. جهت آگاهی بیشتر: (رک: معتمدنژاد، ۱۳۷۹، ج ۱).

2. Space.

3. Cyber.

۴. دقت شود که معادل مجازی در اینجا، «virtual» نیست. شاید جهت خلط نشدن این واژه با سایبر، معادل فارسی فضای سایبری بهتر باشد.

فضا به «یک محوطه بسیط، آزاد، خالی و در دسترس» گویند. مجازی یا سایبری نیز به «رایانه‌های و شبکه‌های رایانه‌ای» اطلاق می‌شود. شاید از منظر لغوی، ترکیب فضای مجازی ما را به این معنا رهنمون می‌کند که فضایی است آزاد، خالی و در دسترس که توسط شبکه رایانه‌ای (رایانه‌های به هم متصل) ایجاد می‌شود.

در حوزه اصطلاحی «فضای مجازی» با تعاریف مختلف و گوناگونی مواجهیم. مروری بر تعاریف، چند مؤلفه را در مفهوم فرهنگی-ارتباطی فضای مجازی برجسته می‌کند. اولین مؤلفه، «وجود ارتباطات اجتماعی» در تمامی سطوح آن از میان‌فردی و میان‌گروهی گرفته تا جمعی و بین‌المللی است. بل (۲۰۰۴، ۵۱ و ۵۰) با تأکید بر این مؤلفه، در تعریف فضای مجازی می‌نویسد: «فضای مجازی در واقع «فضایی عمومی» است که در آن اشخاص می‌توانند یکدیگر را ملاقات کنند، ایده‌ها را ردوبدل کنند، اطلاعات را به اشتراک بگذارند، از یکدیگر حمایت اجتماعی کنند، تجارت داشته باشند، رسانه هنرمندانه خلق کنند، بازی کنند و خود را درگیر مباحثات سیاسی کنند. این چنین تعاملاتی احتیاجی به حضور جسمی و فیزیکی مشترک ندارد بلکه به وسیله به هم پیوستگی میلیون‌ها انسان از سراسر جهان از طریق پست الکترونیک و اتاق‌های گفتگو شناخته می‌شود». در واقع، از نگاه دیوید بل فضای مجازی فقط مجموعه‌ای از سخت‌افزار نیست بلکه مجموعه‌ای از تعاریف نمادین است که شبکه‌ای از عقاید و باورها را در قالب دادوستد بیت ردوبدل می‌کنند (بل، ۲۰۰۱ به نقل از شاه‌قاسمی، ۱۳۸۵).

دومین مؤلفه‌ای که در تعریف فضای مجازی مورد تأکید تعاریف است، نقش واسطه‌ای رایانه‌ها در ایجاد این فضای ارتباطی است. این مؤلفه همان چیزی است که تحت عنوان «ارتباطات رایانه-واسطه^۱» یا «سی‌ام‌سی» شناخته می‌شود. رید گلد در تعریف خویش، هم به این مؤلفه و هم به مؤلفه پیشین چنین می‌پردازد: «در فضای مجازی ما چت و بحث می‌کنیم، به بحث‌های روشنفکرانه مشغول می‌شویم، کارها و تجارت‌مان را انجام می‌دهیم، دانش‌مان را معاوضه می‌کنیم، در حمایت‌های عاطفی سهیم می‌شویم، گیم‌ها و متاگیم‌ها را بازی می‌کنیم و ... ما همه کارهایی که وقتی افراد هنگام با هم بودن انجام می‌دهند را با

1. Computer Mediated Communication (CMC)

هم انجام می‌دهیم؛ اما ما این کارها را با کلمات روی صفحه رایانه انجام می‌دهیم، بدن‌هایمان را در پشت رایانه ترک می‌کنیم... هویتمان را به هم می‌آمیزیم و به صورت الکترونیکی به تعامل می‌پردازیم، مستقل از موقعیت زمانی و مکانی» (رید گلد، ۱۹۹۴، ص ۵۸ به نقل از افراسیابی، ۱۳۹۰، ص ۴۹). برخی تنها بر مؤلفه دوم تأکید دارند: «فضای مجازی، جهان‌ها و دامنه‌هایی را گویند که به وسیله فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی ایجاد می‌شود. مجموعه‌ای از روابط و کنش‌ها در محیط الکترونیک» (Nayar, 2010, p.1). بل نیز به این مشخصه توجه دارد، چنان‌که می‌نویسد: «فضای مجازی، فضای خلق شده از طریق شبکه‌های ارتباطات الکترونیکی از قبیل اینترنت است. شبکه‌هایی که ارتباطات رایانه-واسط را میان شمار بسیاری از مردم جهان از جغرافیاهای پراکنده برقرار می‌کند» (Bell et al., 2004, p. 50).

سومین مؤلفه مفهومی فضای مجازی، «غیرفیزیکی و غیرجسمی» یا «تخیلی بودن»^۱ این فضای ارتباطی رایانه-واسط است (فضلی، ۱۳۸۹، ص ۱۷): همان چیزی که هویت و تمایز این فضا را با فضای واقعی و فیزیکی نشان می‌دهد. اینجا است که دنیای مجازی در کنار دنیای واقعی و هم‌تراز با آن و شاید در مقابل آن به‌عنوان یک رقیب و هم‌اورد قد علم می‌کند؛ به‌عنوان نمونه، بل (۱۳۹۰، ص ۲۴) فضای مجازی را چنین تعریف می‌کند: «استعاره‌ای برای فضای تخیلی در، بر و میان «وسایل رایانه‌ای» می‌باشد» (بل، ۱۳۹۰، ص ۲۴). توانی نیز (2007, p.38) فضای مجازی را یک «مکان مجازی^۲» و ویمر (2005, p.381) یک «مکان خیالی^۳» می‌دانند. درحقیقت، واسطه‌گری رایانه‌ها و شبکه‌های به‌هم‌پیوسته آنها سبب شده است که ارتباطات اجتماعی در این فضا، وابسته به زمان و مکان نباشد و لازم نیست ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر در یک فضای مشترک فیزیکی باشند تا ارتباطات رخ دهد. اشاره به این نکته لازم است که اگر پیشوند «سایبر» را به‌معنای «رایانه و کامپیوتر» بدانیم، بیشتر بر مؤلفه دوم تأکید شده است؛ اما اگر آن را به‌معنای «مجازی یا ویرچوآل^۴» در نظر بگیریم، به مؤلفه سوم نزدیک شده‌ایم.

-
1. Imaginary
 2. Virtual place
 3. Imaginary place
 4. Virtual

چهارمین مؤلفه در مفهوم‌شناسی فضای مجازی، «بستر دیجیتال» این فضا است. همان‌طور که عاملی (۱۳۹۰، ص. ۲۴) اولین ویژگی فضای مجازی را دیجیتالی بودن آن می‌داند، و مهدی‌زاده (۱۳۸۹، ص. ۳۰۲)، دیجیتال شدن را اساسی‌ترین جنبه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌داند، به نظر می‌رسد این مقوله به‌عنوان زیرساخت ارتباطات اجتماعی رایانه واسط، جای بحث و بررسی بیشتری دارد. تعاریف مختلفی از «دیجیتال شدن»^۱ ارائه شده است؛ از جمله اینکه: «دیجیتال شدن، از منظر ریاضی به معنای تبدیل تمامی اشکال اطلاعات (ویدئو، تصاویر، صدا، متن، گفتگوها، بازی‌ها) به شکل دودویی (صفر و یکی) است» (Kung; Picard & Towse, 2008, p. 3). در واقع، کاری که رایانه به‌عنوان پردازنده انجام می‌دهد، تبدیل و ترجمه پیام‌های فیزیکی ما به پیام‌های دودویی و رقمی است. از همین جهت است که برخی مفهوم دیجیتال شدن را به رسانه دیجیتال پیوند زده‌اند و نوشته‌اند: «الکترونیکی یا دیجیتالی شدن، فرایندی است که انسان از طریق ابزارها، فنون و رسانه‌های دیجیتالی مانند شبکه اینترنت و رایانه به تولید، تکثیر، اشاعه و انتشار نمادها و معانی می‌پردازد و از طریق آنها زندگی خود را سامان و معنا می‌بخشد» (فاضلی، ۱۳۸۵، ص. ۲۹). اما رسانه دیجیتال چیست؟ «رسانه دیجیتال (رقمی) نقطه مقابل آنالوگ (قیاسی) است. رسانه الکترونیک با یکسری کد یا رمزهای پنهانی کار می‌کند. امروزه محاسبات بر اساس روش عددی دودویی پی‌ریزی شده است، بدین ترتیب منابع دیجیتال به‌وسیله کیفیت‌های مجزا از (صفر و یک) که نماینده داده‌های قراردادی‌اند، قابل شناسایی هستند» (فریدونی، ۱۳۸۷، ص. ۳۰۴). اگر بخواهیم دیجیتال شدن را از منظر ارتباطی مورد توجه قرار دهیم می‌توان گفت که ارتباطگر از طریق رایانه یا هر پردازنده دیگری مانند تلفن همراه، طی فرایند رمزگذاری، پیام یا معنای مد نظر خویش را به‌صورت پیام دیجیتالی، رقمی و دودویی درمی‌آورد. این پیام، از طریق رسانه اینترنت منتقل و منتشر می‌شود و در ارتباطگیر توسط رایانه و پردازنده رمزگشایی شده و از حالت رقمی به حالت واقعی درمی‌آید.

پنجمین مؤلفه نیز که بیشتر رنگ و بوی ارتباطی دارد، «تعاملی بودن» فضای مجازی است. ارتباطات اجتماعی در فضای مجازی، صرفاً یک‌سویه، عمودی و یک‌طرفه نیست

1. Digitalization.

بلکه می‌تواند دوسویه، افقی، دوطرفه بلکه چندطرفه و در یک کلام تعاملی است. اساساً آنچه که اینترنت را به‌عنوان یک رسانه و البته مصداق مهم فضای مجازی از رسانه‌های پیشین آن متمایز و ممتاز می‌کند، تعاملی بودن آن است. همان‌طور که رافایی^۱ (Rafaeli, 1988, p.110) می‌گوید: «تعامل، مفهومی چندبعدی است» که تعاریف گسترده‌ای برای آن ارائه شده است. در برخی از این تعاریف، «بازخورد»^۲ (پس‌فرست) به‌عنوان نشانه کلیدی تعامل در نظر گرفته شده است؛ یعنی اگر مخاطب یا کاربر بتواند جواب پیام نفر اول یا رسانه را بدهد، ویژگی تعامل وجود خواهد داشت. در برخی دیگر از تعاریف، بر میزان کنترلی که کاربر می‌تواند بر جریان اطلاعات داشته باشد و میزان درگیری‌اش در تبادل پیام تأکید شده است. ویلیامز از این ویژگی تعبیر به درجه کنترل طرف‌دیگر ارتباط در یک گفتگوی دوجانبه می‌کند. استیور، تعامل را گستره‌ای می‌داند که کاربر در آن می‌تواند در تغییر شکل و محتوای «محیط واسطه»^۳ در زمان واقعی مشارکت کند. هاو جیمز نیز آن را گستره‌ای می‌داند که در آن ارتباطگر و مخاطب به نیازهای ارتباطی هم واکنش نشان می‌دهند یا قصد دارند آن را تسهیل کنند (کوثری و شاه‌قاسمی، ۱۳۸۸، صص. ۴-۵)؛ بنابراین چهار ملاک برای تعاملی بودن یک رسانه وجود دارد: ۱- وجود بازخورد؛ بازخورد می‌تواند تأخیری یا آنی باشد. هر چه تأخیر بازخورد کمتر باشد، رسانه تعاملی‌تر خواهد بود. به همین دلیل است که در بحث مزیت‌های ارتباط میان‌فردی، بازخورد آنی را به‌عنوان یک مزیت مطرح می‌شود؛ ۲- میزان درگیری در تبادل پیام؛ ۳- مشارکت در محیط واسطه؛ ۴- تأمین نیازهای ارتباطی. تعامل را به هر معنایی در نظر بگیریم، اینترنت را باید «رسانه‌ای تعاملی» دانست.

در یک جمع‌بندی از مؤلفه‌های مطرح شده، شاید بتوان این تعریف از فضای مجازی را ارائه کرد: فضای مجازی، قلمرو و محیطی غیرفیزیکی و تخیلی از ارتباطات اجتماعی تعاملی است که از طریق رایانه‌های به‌هم‌متصل بر بستر دیجیتال شکل می‌گیرد.

-
1. Rafaeli.
 2. Feedback.
 3. Mediated environment.
 4. Interactive media.

۲- ماهیت حقوقی

با توجه به رویکرد کلی مقابله با جرائم که در دهه‌های اخیر شاهد تحولات شگرفی نیز بوده است، می‌توان دو گزینه را پیش‌رو قرار داد که عبارت‌اند از: ۱- اقدامات کیفری و ۲- اقدامات غیرکیفری. در زمینه اقدامات کیفری سعی می‌شود از طریق جرم‌انگاری هنجارشکنی‌ها و سوءاستفاده‌های جدید و یا تجدیدنظر در قوانین کیفری گذشته، بازدارندگی مؤثری درباره مجرمان بالقوه یا مکرر صورت گیرد تا به این ترتیب، از ارتکاب جرم ممانعت شوند؛ اما رویکرد دوم که در بستر جرم‌شناسی تبلور یافته و با الهام از علوم دیگر نظیر پزشکی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و پدید آمده، اتخاذ تدابیر پیشگیرانه را در دستور کار خود قرار داده است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۳۵-۱۳۶).

به بیان دیگر، برای مبارزه با اقدامات ناهنجار به‌طور کلی دو روش قابل طرح است: ۱- پیشگیری از وقوع آنها و ۲- مقابله با مرتکبان از طریق اعمال ضمانت اجرای کیفری. مشخص است که اگر گزینه اول به شکل صحیح اجرا شود، بسیار مؤثرتر و مقرون‌به‌صرفه‌تر از کیفر مرتکبان جرایم سایبری است؛ چراکه اولاً از آلوده شدن فضای مجازی به انواع سوءاستفاده‌ها جلوگیری می‌کند و طبیعتاً تبعات نامطلوب آنها جامعه را آزوده نمی‌سازد؛ ثانیاً هزینه‌های سنگین و تشریفات مفصل و لازم‌الاجرای اعمال ضمانت اجرای کیفری را هم که عمدتاً به دلیل ماهیت فرامرزی آنها بی‌نتیجه باقی می‌ماند، نیز به جامعه تحمیل نمی‌شود (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶ الف، ج ۱، ص ۳).

تاکنون الگوهای مختلفی در عرصه جرم‌شناسی پیشگیرانه ارائه و مورد آزمون قرار گرفته است. از مهم‌ترین و مؤثرترین این الگوها می‌توان به «پیشگیری اجتماعی»^۱ و «پیشگیری وضعی»^۲ از جرائم اشاره کرد. به‌طور خلاصه، در پیشگیری اجتماعی سعی بر این است که با افزایش آگاهی افراد و تربیت صحیح آنها، به‌ویژه قشر جوان و نوجوان جامعه، و همچنین از بین بردن زمینه‌های اجتماعی وقوع جرم، نظیر فقر و بیکاری، انگیزه‌های مجرمانه از مجرمان سلب گردد؛ اما در پیشگیری وضعی، هدف، سلب فرصت

1. Social Prevention.
2. Situational Prevention.

و ابزار ارتکاب جرم از مجرم با انگیزه است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲ به نقل از جلالی فراهانی، ۱۳۸۶/الف، ج ۱، ص ۳).

در توضیح بیشتر این دو نوع پیشگیری، باید گفت که از دیدگاه جرم‌شناسی، سه عنصر در تحقق جرم دخیل هستند: ۱- انگیزه^۱ مجرمانه ۲- فرصت^۲ مجرمانه و ۳- ابزار^۳ مجرمانه. پیشگیری اجتماعی به دنبال تأثیرگذاری بر روی انگیزه مجرم است و با از بین بردن داعیه و قصد مجرمانه در او، امکان تحقق جرم را منتفی می‌کند؛ این در حالی است که پیشگیری وضعی با تأثیرگذاری بر محیط و موقعیت پیرامونی مجرم، امکان ارتکاب جرم را عارض و وجود انگیزه از بین می‌برد (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶/الف، ج ۱، ص ۴). بنابراین در یک کلام، پیشگیری وضعی از جرم را می‌توان «جلوگیری از دستیابی به فرصت و ابزار ارتکاب جرم» دانست (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶/الف، ج ۱، ص ۵؛ صفاری به نقل از جلالی فراهانی، ۱۳۸۴، صص. ۱۳۷-۱۳۸).

پالایش فضای مجازی را باید از جنس پیشگیری وضعی دانست. با پالایش است که امکان مواجهه کاربران و ارتباط‌گیران با پیام مجرمانه منتفی می‌شود. به بیان دیگر، دسترسی به محتوای مجرمانه که اولاً خود نوعی جرم است و ثانیاً می‌تواند منشأ تشویق افراد به ارتکاب جرائم دیگر شود، سلب می‌شود. این کار از طریق از بین بردن فرصت و ابزار آن تحقق می‌یابد.

مبنای پیشگیری وضعی بر این فرض استوار است که یک انسان متعارف در همه زمینه‌ها، خواسته یا ناخواسته به‌طور منطقی و حساب‌شده عمل و از خطرهای شدید دوری می‌کند؛ یعنی در صورتی تن به خطر می‌دهد که عایدات یا منافع حاصل از آن عمل ارزشمند باشد. حال اگر این فرض را در مورد مجرمان صادق بدانیم، می‌توان گفت که هر طریقی بتواند خطرپذیری جرم را افزایش یا جاذبه یا منفعت حاصل از آن را کاهش داد یا حتی از بین برد، قاعدتاً مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم منصرف می‌شوند (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶/الف، ج ۱، ص ۴).

الگوهای مختلفی برای روش‌های پیشگیری وضعی ارائه شده است که یکی از کامل‌ترین

-
1. Motive
 2. Opportunity
 3. Means

آنها، الگوی ۱۲ گانه کلارک، جرم‌شناس معروف انگلیس است (جلالی‌فراهانی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳۸):

شکل ۱- روش‌های مختلف پیشگیری وضعی



در کنار مزیت‌های جدی پیشگیری وضعی، نقاط ضعفی نیز برای آن برشمرده‌اند که قابل انقسام به سه حوزه جرم‌شناختی، اقتصادی و حقوقی است. در حوزه جرم‌شناختی مواردی همچون تأثیرگذاری موقت، اثر انتقالی، غیرارادی بودن و تأثیرگذاری معکوس از جمله معایب این روش است. توضیح بیشتر آنکه اولاً اثر این نوع پیشگیری موقت است؛ بدین معنا که محدود به زمان و مکان اجرای آن است. دلیل آن نیز بقای انگیزه مجرمانه در مجرم پس از صرف‌نظر کردن از تدابیر سلب او از فرصت و ابزار ارتکاب جرم است. ثانیاً پیشگیری وضعی می‌تواند موجب شود یا مجرم به دنبال آماج و بزه‌دیده دیگری برود یا اینکه شیوه خود را برای دور زدن تدابیر پیشگیرانه تغییر دهد. ثالثاً پیشگیری وضعی با توجه به ماهیت فنی و غیرهوشمند آن می‌تواند سبب شود افراد را به صورت آگاهانه از مقابله با جرم بازدارد. رابعاً پیشگیری وضعی می‌تواند اثر معکوس هم داشته

باشد؛ به طوری که حتی اشخاص عادی را به کشف ماهیت شیئی یا شخص تحت حفاظت برمی‌انگیزاند. در حوزه اقتصادی نیز، پیشگیری وضعی با محدودیت‌های جدی مواجه است. این نوع پیشگیری نیازمند نیروی متخصص و ابزار و وسایل پیشرفته است که سرمایه‌گذاری هنگفتی را در این عرصه می‌طلبد. مزیداً بر آنکه نوعی تسلسل و رقابت تکنیکی و فناورانه بین پیشگیری‌کنندگان و مجرمان وجود دارد؛ به طوری که دائماً شاهد خنثی‌سازی تدابیر پیشگیری‌کننده جرائم توسط مجرمان هستیم. این فضای رقابتی به ویژه در عرصه فضای مجازی و اینترنت با سرعت بیشتری تحقق یافته است. حال سؤال آن است که آیا سرمایه‌گذاری کلان در عرصه پیشگیری وضعی معقول است یا خیر؟ در مورد محدودیت‌های حقوقی این عرصه نیز به دو نکته می‌توان اشاره کرد: ۱- ایجاد محدودیت نسبت به آزادی‌ها و حقوق افراد دیگر جامعه؛ ۲- سوءاستفاده از اختیارات ناشی از پیشگیری وضعی در نقض حریم خصوصی افراد.

۳- مسئله‌شناسی حقوقی

۳-۱. انواع تنظیم مقررات پالایش

نظام پالایش می‌تواند از سه نوع الگوی تنظیم مقررات تبعیت کند: ۱- خودمقررات‌گذاری^۱ (خودنظام‌دهی)؛ ۲- مقرراگذاری دولتی^۲ (نظام‌دهی دولتی) و ۳- مقررات‌گذاری مشترک^۳ (نظام‌دهی مشترک)^۴ (انصاری، ۱۳۹۰/الف، صص. ۹۸-۹۹). منطق این تقسیم بر اساس ماهیت ساختار و نیروی انسانی رگولاتور از جهت دولتی یا خصوصی بودن می‌باشد. عقلاً این ماهیت از سه حال خارج نیست: یا مقررات توسط بخش خصوصی و مردم تدوین، تصویب و اجرا می‌شود یا توسط دولت و حاکمیت یا در مجموعه‌ای مرکب از هر دو. همین منطق در مورد تنظیم مقررات نظام پالایش نیز صادق است. اندیشمندان رسانه،

1. Self-regulation.

2. State-regulation & governmental regulation.

3. Co-regulation.

۴. برخی به مجموعه سه‌گانه بالا، تعلیم و تربیت و عدم مقررات‌گذاری را می‌افزایند (ریکتسون، ۲۰۱۲ به نقل

از مهدی‌پور، ۱۳۹۲: ۴۰)

الگوی نخست را برترین، دومی را پذیرفته‌ترین و سومی را ناسازگارترین نظام با ماهیت فضای مجازی می‌دانند (انصاری، ۱۳۹۰/الف، ص. ۹۹). در این مجال، با تفصیل بیشتری، این سه‌گانه مهم را تبیین می‌کنیم^۱:

۳-۱-۱. خودمقررات‌گذاری

برای این واژه که معادل‌های خودنظام‌دهی، خودتنظیمی و خودساماندهی را نیز داریم، معانی مختلف و نزدیکی داریم. برخی آن را بدان معنا گرفته‌اند که جامعه رسانه‌ای مانند اینترنت و گردانندگان اصلی آن، رأساً و بدون مداخله حکومت، با تدوین قواعد رفتاری و ایجاد نهادهای لازم به تنظیم فعالیت‌های رسانه‌ای بپردازند (هنری، ۲۰۰۳ به نقل از انصاری، ۱۳۹۰/الف، ص. ۹۹). در چنین حالتی یا دولت به‌طور رسمی اختیار تنظیم مقررات را واگذار می‌کند یا آنکه بخش خصوصی لزوم و ضرورت تنظیم مقررات توسط خود را به هر دلیل اعم از پاسخگویی به تقاضای مشتری، انجام تعهدات اخلاقی، افزایش و تقویت اعتبار صنعت و تراز کردن و متعادل کردن میدان بازی و رقابت، درمی‌یابد. (بیروینگ، ۱۹۹۷ به نقل از Campbell, 1999, p. 714) در هر حال، هرگاه در یک حوزه از جمله فضای مجازی، تدوین، تصویب، اجرای و نظارت مقررات و هنجارها صرفاً توسط بخش خصوصی انجام شود، به آن خودمقررات‌گذاری گویند.

۳-۱-۲. مقررات‌گذاری دولتی

این نوع مقررات‌گذاری، شیوه‌ای است که دولت در تمام امور ورود کرده و از صدر تا ذیل حوزه رسانه‌ها را در امر تنظیم‌کنندگی عهده‌دار می‌شود (انصاری، ۱۳۹۰/الف، ص. ۱۱۱). محاسن مقررات‌گذاری دولتی عبارت است از: ۱- مقررات‌گذاری دولتی عموماً دارای امکانات و منابع بهتری نسبت به خودتنظیمی است. ۲- مقررات‌گذاری دولتی می‌تواند اجبار و توان اجرایی قانونی را درگیر می‌کند؛ بنابراین سازوکاری برای مواجهه با

۱. در مباحث پیش‌رو، چه در مقام توصیف نظام پالایش ایران و چه در مقام توصیه، از این سه‌گانه مهم استفاده می‌شود.

موضوعات ارائه می‌دهد، درمقابل، خودتنظیمی مشارکت‌کنندگان می‌توانند گزینهٔ عدم تطابق با قانون را انتخاب کنند یا نظام مقررات‌گذاری را رها کنند. ۳- مقررات‌گذاری دولتی پوشش فراگیر و عمومی دارد و کنترل‌های مؤثر و اساسی بر رفتار اعمال می‌کند. ۴- مقررات‌گذاری دولتی هم مسئولیت و پاسخگویی دولتی و هم نظارت قضایی مقررات‌گذار را فراهم می‌آورد (مهدی‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۴۳).

۳-۱-۳- مقررات‌گذاری مشترک

مقررات‌گذاری مشترک یا «هم‌مقررات‌گذاری» یا «ساماندهی مشترک» بدان معناست که وضع قانون و تشکیل رگولاتور توسط دولت یا با کمک او صورت می‌گیرد؛ اما ماهیت تنظیم‌کننده و رگولاتور کاملاً خصوصی است (انصاری، ۱۳۹۰، الف، صص. ۱۱۰-۱۱۱). به بیان دیگر، الگویی حقوقی است که در آن تدوین هنجارها، اعمال و اجرای آنها تنها بر عهده حاکم مقتدر نیست بلکه میان شماری از عاملان، اعم از عمومی و خصوصی که داوطلبانه یا غیرداوطلبانه فعالیت می‌کنند، گسترده شده است. به بیان دقیق‌تر، ساماندهی مشترک، شکل نوینی از حکمرانی مقامات عمومی است که شالوده آن تفویض نمایندگی یا انتقال اختیاری تمام یا بخشی از وظیفه تدوین، اعمال و اجرا به عاملان خصوصی است (فریدمن و دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۱۷۲).

هم‌مقررات‌گذاری مسیری را بین خودتنظیمی و مقررات‌گذاری دولتی طی می‌کند و به نظام‌های مقررات‌گذاری این امکان را می‌دهد که محاسن هر دو انتهای طیف یعنی مقررات‌گذاری دولتی و خودتنظیمی را، به دست آورد. هم‌مقررات‌گذاری این حسن را دارد که درجه‌ای از کنترل و نظارت دولت بر بخشی از رفتارها را می‌دهد در عین حالی که نقشی قوی برای صنعت نیز محفوظ مانده است (ریکتسون، ۲۰۱۲ به نقل از مهدی‌پور، ۱۳۹۲، ص. ۴۲).

با توجه به این تقسیم‌بندی سه‌گانه از مقررات‌گذاری، سؤال مهم و اساسی آن است که کدام الگو می‌تواند برای نظام پالایش فضای مجازی چه در عرصهٔ بین‌المللی و چه در عرصهٔ ملی و داخلی به عنوان الگوی مطلوب انتخاب شود؟

۲-۳. پالایش و آزادی بیان و اطلاعات

یکی از چالش‌های حقوقی در پالایش فضای مجازی، محدود کردن حق آزادی بیان و آزادی اطلاعات است. در این مجال ابتدا تبیین مختصر از آزادی بیان و آزادی اطلاعات خواهیم داشت و سپس به چالش‌های حقوقی آن دو در پالایش فضای مجازی می‌پردازیم. «آزادی بیان»^۱ به‌عنوان «بنیادی‌ترین حق» در حوزه رسانه‌ها، در سیر تاریخی خویش ابتدا یک «حق طبیعی»^۲، سپس یک «حق اساسی»^۳ و در نهایت یک «حق بشری»^۴ تلقی شده است (انصاری، ۱۳۹۰، الف، ص. ۷). ریشه تاریخی آزادی بیان به تلاش‌های اندیشمندان قرون هفدهم و هجدهم در جهت تحدید و محدودسازی قدرت‌های مطلقه و رسمیت یافتن آزادی بیان برمی‌گردد (معمدنژاد و معظمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶). اوج این تأملات و اندیشه‌ورزی‌ها در باب حق آزادی بیان، در اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب ۱۷۸۹ میلادی فرانسه و در ماده ۱۱ آن انعکاس یافته است: «انتقال و انتشار آزاد افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق انسانی است؛ بنابراین، هر شهروندی می‌تواند آزادانه سخن بگوید، بنویسد و چاپ کند، مگر در مواردی که برای مقابله با سوءاستفاده از این آزادی، در قانون مشخص شده و قابل تعقیب است».

در مفهوم‌پردازی پیرامون آزادی بیان، معمولاً از دو معنای مثبت و منفی آزادی سخن به میان می‌آید. آزادی منفی یا به تعبیر دیگر «آزادی از» بدان‌معناست که «شخص یا گروهی از اشخاص در عمل آزادی دارند یا باید داشته باشند تا بدون دخالت دیگران به آنچه می‌خواهند عمل کنند و آن چنان که می‌خواهند، باشند» (برلین، ۱۳۸۰، ص. ۲۳۶ به نقل از معمندنژاد و معظمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷)؛ بنابراین آزادی از یعنی آزادی از هر گونه مانع و مداخله. آزادی مثبت یا همان «آزادی برای» به‌معنای «صاحب اختیار بودن فرد (است که) هدف و روش خویش را انتخاب کند ... و مسئولیت‌گزینه‌های خویش‌تن را بر عهده بگیرد» (برلین، ۱۳۸۰، ص. ۲۳۷ به نقل از معمندنژاد و معظمی، ۱۳۸۹، ص. ۱۷).

1. Freedom of expression
2. National rights
3. Constitutional rights
4. Human rights

اما «آزادی اطلاعات»^۱ یا به تعبیر دقیق‌تر آن «حق دسترسی به اطلاعات»^۲ از زمره آزادی‌های نسبتاً نوظهور است که اولین بار در ایالات متحده آمریکا به کار رفته است. این آزادی بدان معناست که «هر یک از اعضای جامعه بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی نگهداری می‌شود و آن مؤسسه جز در موارد استثنایی و احصاء شده و مشخص، اطلاعات درخواستی را در اختیار متقاضی قرار دهد» (انصاری، ۱۳۸۷، ص. ۲۶). از منظر دینی نیز اصل وجود چنین حقی مفروض است. طبق آموزه‌های اسلامی، مردم باید محرم حاکمیت و آگاه از رویدادها باشند و هیچ اخبار و اطلاعاتی از آنان پنهان داشته نشود؛ مگر اخبار و اطلاعات امنیتی و طبقه‌بندی شده که برای مصلحت بالاتر همان مردم و به سان همه نظام‌های عقلایی به اندازه ضرورت از نشر آن جلوگیری می‌شود. حضرت علی (ع) در نامه به فرماندهان خویش می‌نویسند: «بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ - که از پوشاندن آن ناگزیرم - و کاری را جز در حکم شرع بی‌رأی با شما انجام ندهم ... و چون چنین کردم نعمت دادن شما بر خداست و طاعت من عهده شماست ...» (اسماعیلی، ۱۳۹۱، ص. ۱۸۳).

در نسبت‌شناسی حق آزادی بیان و حق آزادی اطلاعات این چنین گفته شده است که: «حق دسترسی به اطلاعات از لوازم اصلی آزادی بیان است؛ زیرا مهم‌ترین تدبیر حقوقی جهت تهیه اطلاعات لازم و دقیق برای اعمال آزادی مذکور به‌شمار می‌رود. ... این دو آزادی از یکدیگر لاینفک شناخته شده‌اند؛ لذا آزادی بیان مستلزم آزادی در جستجوی فعال اطلاعات از منابع آن است و اشخاصی که از حق آزادی بیان برخوردارند باید از حق دسترسی به اطلاعات نیز برخوردار باشند» (انصاری، ۱۳۸۷، ص. ۲۷).

در نظام حقوقی ایران نیز، این دو حق به رسمیت شناخته شده است. حق آزادی بیان به شکل صریح در اصل ۲۴ قانون اساسی آمده است که: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخلّ به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می‌کند.» حق اطلاعات نیز اگرچه در قانون اساسی به شکل صریح نیامده است، «اما اشاره‌هایی به منابع و آثار این حقوق وجود دارد که می‌تواند و باید منبع و

1. Freedom of information
2. Right to information

محور قانون‌گذاری در این حوزه قرار گیرد. مهم‌ترین این موارد اصل هشتم قانون اساسی است که با تکیه بر اصل اسلامی امر به معروف و نهی از منکر، نظارت همگانی مردم بر دولت را به‌عنوان یک حق عمومی مطرح ساخته است» (اسماعیلی، ۱۳۹۱، صص. ۴۱-۴۲). این در حالی است که در قوانین عادی از جمله قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، صریحاً به این حق پرداخته است. در ماده ۲ این قانون چنین آمده است که: «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد»؛ بنابراین حقوق داخلی، آزادی بیان و آزادی اطلاعات به‌عنوان دو اصل اساسی پذیرفته شده است؛ اما توجه به این نکته نیز ضروری است که تمام نظام‌های حقوقی این حق را به‌طور مطلق نپذیرفته و حدود و ثغور آن را مشخص کرده‌اند.

طبق این دو اصل، در بحث پالایش باید رویکرد حداقلی یا همان «فهرست سیاه» یا همان «پالایش مثبت» در دستور کار قرار بگیرد. به‌بیان‌دیگر، در یک نظام پالایش، اصل بر مجاز بودن عبور اطلاعات و پیام‌ها است، مگر پیامی که مجرمانه بودن آن محرز شود.

اگرچه رویکرد حداقلی پالایش، منطبق بر اصل آزادی بیان و آزادی اطلاعات است؛ اما با توجه به آنکه دارای ماهیت «اعمال محدودیت در انتقال اطلاعات مجرمانه»، همواره در معرض اصطکاک و چالش با دو حق مذکور است. توضیح بیشتر آنکه، نوعاً پالایش نسبت به درخواست کاربران اعمال می‌شود یعنی درخواست کاربر در مسیر خروج با فهرست سیاه یا در مسیر ورود با الگوریتم طراحی شده تطبیق داده شده و طبق استانداردها تصمیم به پالایش گرفته می‌شود، عملاً حق دسترسی افراد به اطلاعات محدود می‌شود. این در حالی است که اعمال پالایش به‌صورت حذف محتوا از روی میزبانی باشد، عملاً حق آزادی بیان سلب شده است.

یکی از عللی که زمینه ایجاد فضای اصطکاکی بین پالایش و حق آزادی بیان و آزادی اطلاعات را بیش از پیش می‌کند، امکان اعمال سلیقه نیروی رصدکننده یا بالابودن استانداردهای تشخیص جرم در الگوریتم‌های تحلیلی نیروهای ماشینی است. به‌هرحال، تعریف محتوای مجرمانه یک امر است و تعیین مصادیق آن توسط نیروهای پایشی امری دیگر. اگر نظام تعریف عملیاتی محتواهای مجرمانه وجود نداشته باشد، عملاً احتمال

اعمال سلیقه توسط رصدکنندگان بالا می‌رود.

مسئله دیگری که به ایجاد تزاخم بین پالایش و حقوق مذکور دامن می‌زند، پدیده‌ای است که پیش از این به نام «خطای مثبت» یا «خطای بیش‌ازحد» شناخته می‌شود. به‌رحال نظام‌های پالایش همواره در معرض خطا هستند و همین امر آزادی بیان و آزادی اطلاعات را در معرض تهدید قرار می‌دهد.

۳-۳. پالایش و حریم خصوصی

در زبان فارسی، «حریم» در لغت به معنای «آنچه از پیرامون خانه و عمارت که بدان متعلق باشد مکانی است که حمایت و دفاع از آن واجب است». آمده است (عمید، ۱۳۱۹، ج ۱، ص ۶۸۷؛ معین، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۱۳۵۲). همچنین معنای «باز داشتن از» نیز برای آن مطرح شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۷۸۱۹).

حریم خصوصی، «قلمرویی از زندگی است که اشخاص به‌هیچ‌وجه مایل نیستند دیگران بدون اجازه قانونی وارد این قلمرو شوند یا از آن آگاهی پیدا کنند. به‌دیگرسخن، آن بخش از زندگی اشخاص که آگاهی دیگران از آن به لحاظ کمیت و کیفیت در اختیار خود اشخاص می‌باشد، حریم خصوصی نام دارد» (انصاری، ۱۳۸۲، ص ۳۹). به‌بیان‌دیگر، حریم خصوصی، «قلمروی از زندگی اشخاص است که انسان نوعی و متعارف با درک نیازهای جامعه، در هیچ وضعیتی، تجاوز به آن را مجاز نمی‌داند» (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۴). در تعریف کامل‌تری از دو تعریف اخیر، حریم خصوصی، «قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند: منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی از مهم‌ترین مصادیق حریم خصوصی هستند» (انصاری، ۱۳۹۰، ب، ص ۳۹).

حق حریم خصوصی در فقه اسلامی و حقوق ایران به رسمیت شناخته شده است. در بند ۵ فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) چنین آمده است که: «هیچ‌کس حق ندارد به

خانه یا مغازه یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آن‌ها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت کند یا نسبت به فردی اهانت کرده و اعمال غیرانسانی-اسلامی مرتکب شود یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد یا دنبال اسرار مردم باشد...» در کنار این تأکید فقهی امام راحل، در اصل ۲۵ قانون اساسی، بازرسی، نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن گفتگوهای تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس مگر به حکم قانون ممنوع اعلام شده است (اسماعیلی، ۱۳۹۱، صص. ۳۰۰-۳۰۳).

برخلاف ظاهر ساده و درک‌شدنی حریم خصوصی، این مفهوم یکی از پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین مصداق‌های حقوق بشر است و به همین دلیل، نسبت به بقیه حقوق مطالعات و نظریه‌پردازی‌های بیشتری برای شناسایی دقیق ماهیت و حوزه شمول آن صورت گرفته است (جلالی فراهانی، ۱۳۸۶، ص. ۸۴). در این میان، با توجه به ویژگی‌های خاصی که فضای مجازی دارد، حریم خصوصی در آن، ابعادی به مراتب پیچیده‌تر پیدا کرده است، به طوری که مرزبندی میان حریم خصوصی و عمومی در بسیاری از موارد بسیار مشکل خواهد بود؛ به عنوان مثال، امروزه در خدمتی به نام پست الکترونیک که فلسفه وجودی آن، ردوبدل پیام‌های شخصی و خصوصی است و علی‌القاعده جزء حریم خصوصی کاربران تلقی می‌شود، با پدیده‌ای به نام «اسپیم» مواجهیم. اسپم به پیام‌های نوعاً تجاری‌ای گفته می‌شود که به شکل انبوه به کاربران ارسال می‌شود. حال سؤال آن است که آیا اسپم‌ها پیام عمومی تلقی می‌شود و می‌تواند بلکه باید مشمول پالایش قرار گیرد؟

به نظر می‌رسد دو ملاک برای حریم خصوصی در فضای مجازی قابل طرح باشد: ۱- امکان دسترسی عمومی ارتباط‌گیران و کاربران به پیام و ۲- انبوه بودن ارتباط‌گیران. بر اساس ملاک اول، هرگاه انتشار پیام به گونه‌ای است که امکان دسترسی به پیام توسط کاربران به محض اراده و تمایل آنها فراهم باشد این پیام عمومی بوده و جزء حریم عمومی است؛ اما ملاک دوم ناظر به آن است که هرگاه انتشار پیام به گونه‌ای است که

مخاطبان آنها در اصطلاح ارتباطی «انبوه»^۱ هستند، پیام در حریم عمومی است. انبوه که به عنوان مهم‌ترین ویژگی وسایل ارتباط جمعی شناخته می‌شود (محسنیان‌راد، ۱۳۸۲، ص. ۶۳)، ۱- فراوان است و خاصیت خرمی دارد. ۲- دارای درجه پیوستگی بسیار ضعیفی است (ضعیف‌تر از گروه و جماعت). ۳- ناهمسانی، عدم تجانس و ناهمبستگی آن، سبب بی‌شکلی اش است. ۴- به صورت ذره‌های اجتماعی در یک فضای جغرافیایی پراکنده است. ۵- افراد تشکیل‌دهنده توده یکدیگر را نمی‌شناسند و کنش متقابل ناچیزی دارند. ۶- دارای ترکیبی ناپایدار، سازمان‌نیافته، فاقد احساس مشترک و فاقد رهبر می‌باشند (محسنیان‌راد، ۱۳۹۰، ص. ۱۳). پالایش با توجه به فرایند عملیاتی‌ای که دارد، می‌تواند در چالش با حریم خصوصی قرار بگیرد:

۳-۳-۱. حریم خصوصی ارتباط‌گر

در مرحله‌ی پایش پیشینی پالایش، فهرست‌هایی از نام دامنه یا آی‌پی و... تهیه می‌شود. حال سؤال مهم آن است که پیام ارسال شده از طریق پست الکترونیک می‌تواند مشمول پایش پیشینی باشد؟ این مسئله در بستر شبکه ملی اطلاعات در مورد پیامک‌های ارسال شده نیز صدق می‌کند؟ آیا پست الکترونیک و پیامک همیشه جزء حریم خصوصی هستند؟ آیا می‌توانند حریم عمومی هم تلقی شوند؟ بر این اساس، پالایش در چه بخشی می‌تواند ورود کند؟ همین مسئله به شکلی پیچیده‌تر در مورد شبکه‌های اجتماعی و به‌ویژه از نوع موبایلی آن مطرح است. همان‌طور که می‌دانیم منطق شبکه اجتماعی موبایلی، گروهی است و افراد نوعاً در گروه‌هایی قرار دارند که نسبت به هم آشنا هستند. به بیان دیگر، در شبکه‌های اجتماعی موبایلی، دیگر خبری از انبوه نیست، بلکه بیشتر ارتباطات گروهی است. حال با فرض امکان فناورانه پالایش شبکه‌های اجتماعی موبایلی (به‌عنوان مثال، سرور در داخل کشور است)، آیا گروه‌ها، حریم عمومی‌اند یا خصوصی؟ آیا مشمول پالایش قرار می‌گیرند یا نه؟

۳-۳-۲. حریم خصوصی ارتباطگیر

از طرف دیگر، در همان مرحله پایش پیشینی؛ اما در عملکرد تطبیق، پالایش در مجرای ارتباطی و ارتباطگیر (نه در ارتباطگر)، نوعاً بر اساس تطبیق با درخواست کاربران اعمال می‌شود. یعنی پالایش مستلزم پایش و تحلیل درخواست کاربر است که این پایش یک زمان هنگام ارسال درخواست توسط کاربر است و یک زمان هنگام دریافت بسته پیام درخواستی است. حال سؤال اساسی آن است که درخواست کاربر چه در هنگام ارسال و چه در هنگام بازگشت بسته محتوایی از سوی سرور مقصد، حریم خصوصی کاربر تلقی می‌شود یا حریم عمومی او؟ آیا در این نوع پالایش، تجاوز به حریم خصوصی ارتباطگیران رخ نمی‌دهد؟ این مسئله به‌ویژه در مورد پالایش در شبکه ملی اطلاعات بیشتر موضوعیت دارد؛ چرا که در شبکه ملی اطلاعات با توجه به تسلط زیرساختی حاکمیت امکان پالایش در ارتباطگر بیش از پیش وجود دارد و اساساً می‌تواند جایگزینی برای پالایش در ارتباطگیر و مجرا به حساب آید؛ درحالی‌که این چالش حریم خصوصی ارتباطگیر دیگر مطرح نمی‌باشد.

۳-۴. جرم‌انگاری پالایش‌گریزی

یکی از چالش‌های مهم برای نظام‌های پالایش، دور زدن و عبور از آنها است که عملاً آنها را از حیز انتفاع ساقط می‌کند. در ایران نیز به‌دلیل گستردگی بازار پالایش، جرم‌انگاری آن به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها بدل شده است. در این مجال در یک سطح باید دید که در وضعیت موجود در ایران و جهان، بحث پالایش‌گریزی جرم‌انگاری شده است؟ در سطح دیگری باید بررسی کرد که در وضعیت مطلوب، آیا جرم‌انگاری این عرصه لازم است یا نه؟ از حیث وضعیت موجود چه در عرصه جهانی و چه در ایران، مقوله پالایش‌گریزی به‌طور مستقل و صریح، جرم‌انگاری نشده است بلکه آنچه مدنظر کارشناسان حقوقی و فنی این عرصه است، «دسترسی غیرمجاز» است و اگر به مقوله دور زدن پالایش پرداخته شده، از جهت صدق عنوان آن ذیل دسترسی غیرمجاز است. در همین ابتدا باید دو ساحت را از یکدیگر تفکیک کرد: ۱- حوزه تولید، توزیع و

آموزش پالایش‌گریز و ۲- حوزه تهیه و مصرف پالایش‌گریز. در نظام حقوقی ایران، دو استناد جهت جرم‌انگاری حوزه تولید، توزیع و آموزش پالایش‌گریزی وجود دارد: ۱- بند الف ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای: «هرکس از طریق سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده مرتکب اعمال زیر شود، به ترتیب زیر مجازات خواهد شد: الف) چنانچه به منظور دستیابی افراد به محتویات مستهجن، آنها را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کند یا فریب دهد یا شیوه دستیابی به آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات. ارتکاب این اعمال در خصوص محتویات مبتذل موجب جزای نقدی از دو تا پنج میلیون ریال است». طبق این ماده قانونی با توجه به اینکه نرم‌افزار پالایش‌گریز، دستیابی افراد را به محتویات مستهجن تسهیل می‌کند، وبگاهی که نرم‌افزار آن را تولید یا توزیع می‌کند و همچنین شیوه استفاده از آن و دور زدن پالایش را آموزش می‌دهد و یا افراد را تحریک و ترغیب به استفاده از پالایش‌گریز می‌کند، می‌تواند مشمول این ماده قانونی باشد. ۲- بند ج ماده ۲۵ قانون جرائم رایانه‌ای: ماده ۲۵: هرکس مرتکب اعمال زیر شود، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد: ج) آموزش نحوه ارتکاب جرایم دسترسی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، جاسوسی رایانه‌ای و تخریب و اخلال در داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای و مخابراتی. اگر برقرار کردن دسترسی به محتوای پالایش‌شده را، دسترسی غیرمجاز تلقی کنیم که البته مورد چالش است، آنگاه طبق بند مذکور، آموزش پالایش‌گریزی در وبگاه‌های مختلف جرم تلقی می‌شود. همین تفسیر از بند ج نیز توسط کارگروه تعیین مصادیق مجرمانه صورت گرفته است و در فهرست مصادیق محتوای مجرمانه (موجود در وبگاه کارگروه)، مورد ۵ از بند هـ را با استناد به بند ج ماده ۲۵ «انتشار فیلترشکن‌ها و آموزش روش‌های عبور از سامانه‌های فیلترینگ» برشمرده است.

اما در حوزه خرید و مصرف پالایش‌گریزها نیز تصریحی در قوانین وجود ندارد. برخی به ماده یک قانون جرائم رایانه‌ای استناد کرده‌اند. در این ماده چنین آمده است: «هرکس به‌طور غیرمجاز به داده‌ها یا سیستم‌های رایانه‌ای یا مخابراتی که به‌وسیله

تدابیر امنیتی حفاظت شده است دسترسی یابد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج تا بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد». اینکه تا چه حد دسترسی به محتوای پالایش شده از طریق پالایش‌گریزها، دسترسی غیرمجاز تلقی می‌شود، موضوعی چالش‌برانگیز است. توضیح بیشتر آنکه، برخی بر این باورند که دسترسی غیرمجاز، ناظر به داده‌ها یا سامانه‌هایی است که صاحبان یا مدیران داده‌ها و شبکه‌ها و سامانه‌ها به منظور عدم دسترسی کاربرانِ دیگر، تدابیر امنیتی نظیر دیوارهای آتش برای آنها ایجاد می‌کنند و نسبت به مواردی که خود ارائه‌دهندگان داده‌ها به دنبال بخش و نشر آنها هستند ولی به هر دلیلی، از سمت ارگانی قانونی مسدود و یا فیلتر می‌گردد، اعمال نمی‌شود. ولی عده‌ای نیز ابراز می‌دارند که صرفاً با ایجاد فیلتر بر روی یک تارنما، دور زدن و یا گذر از آن به‌عنوان «دسترسی غیرمجاز» تلقی خواهد شد (مشرق نیوز، کد خبر، ۳۴۴۳۴۵). طبق نظر دوم، دسترسی غیرمجاز، مقوله‌ای عام‌تر از «نفوذ غیرمجاز»^۱ است که به‌معنای «دست یافتن غیرمجاز به سیستم یا شبکه رایانه‌ای خوا با نقض سیستم امنیتی باشد (نفوذ غیرمجاز) خواه بدون آن» (بای و پورقهرمانی، ۱۳۸۸، ص. ۱۸۱). در رویه قضایی ایران نیز تاکنون پرونده‌ای با عنوان مجرمانه استفاده از فیلترشکن یا پالایش‌گریز منجر به صدور رأی نشده است. توجه به این نکته هم لازم است که استفاده از پالایش‌گریزها در ایران، آنچنان فراگیر و گسترده شده است که بر فرض جرم‌انگاری استفاده از آن، امکان اعمال آن تقریباً غیرممکن است و جرم‌انگاری صریح آن در آینده می‌تواند منجر به قبح‌زدایی از قانون‌شکنی بشود.

جمع‌بندی

در این مقاله تلاش شد، موضوع مهم، مبتلابه و پرچالش «پالایش فضای مجازی» مورد مطالعه قرار گیرد. بر همین اساس در این مطالعه، تحلیلی حقوقی از ماهیت و چیستی و همچنین مسائل و چالش‌های پیرامون پالایش سخن به میان آید. پالایش به‌معنای «جلوگیری از جابه‌جایی اطلاعات به شکل هدفمند و ساختارگونه توسط مقام صلاحیت‌دار

1. Hacking

در فضای مجازی»، از منظر حقوقی نوعی «پیشگیری وضعی» به حساب می‌آید که فرصت و ابزار دسترسی به محتوای مجرمانه یا انتشار آن را از ارتباط‌گیران یا ارتباط‌گران سلب می‌کند. به بیان دیگر، در پالایش فضای مجازی تلاش می‌شود با سلب فرصت و ابزار دسترسی و انتشار محتوای مجرمانه، از وقوع جرم پیشگیری کرد و بدین‌وسیله به سالم‌سازی فضای مجازی کمک کرد.

بر اساس این ماهیت‌شناسی حقوقی از پالایش، به سراغ مسئله‌شناسی حقوقی آن رفتیم. مباحث ارائه شده در این بخش، ما را به دو دسته «پیشنهاد‌های سیاستی» و «پیشنهاد‌های پژوهشی» رهنمون می‌کند:

پیشنهاد‌های سیاستی

۱. به نظر می‌رسد که از میان الگوهای سه‌گانه مقررات‌گذاری، الگوی مقررات‌گذاری مشترک در فضای مجازی حالت مطلوب باشد؛ این در حالی است که وضعیت موجود ایران نشان می‌دهد که مقررات‌گذاری ایران کاملاً دولتی است و ظرفیت بخش خصوصی مغفول است. در حال حاضر، مقررات‌گذاری چه در مرحله وضع و چه در مرحله اجرا و ارزیابی منحصر در دو نهاد کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه و شرکت ارتباطات زیرساخت است. در کارگروه ضوابط فنی و فهرست مجرمانه تهیه می‌شود و شرکت ارتباطات زیرساخت نیز، فهرست مجرمانه را روی دروازه بین‌المللی اعمال می‌کند. این در حالی است که فضای مجازی به‌عنوان یک فضای متکثر دارای بازیگران دیگری از بخش خصوصی همچون خدمات‌دهندگان دسترسی، خدمات‌دهندگان میزبانی، خدمات‌دهندگان محتوا و خدمات‌دهندگان نام دامنه است که هر یک ظرفیت جدیدی برای نوع اعمال پالایش به حساب می‌آیند؛ بنابراین در حالت آرمانی، باید به سمت مقررات‌گذاری ترکیبی بین حاکمیت و بخش خصوصی برویم. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود که در گام اول، وضع و ارزیابی پالایش در اختیار حاکمیت و اجرای آن در اختیار حاکمیت و بخش خصوصی باشد.

۲. چالش میان پالایش و اصل آزادی بیان و آزادی اطلاعات، ما را رهنمون به دو

سیاست می‌کند: ۱- پالایش بر اساس فهرست سیاه (نه سفید) و ۲- شاخص‌سازی محتوای مجرمانه. سیاست اول دلالت بر آن می‌کند که در پالایش باید اصل بر مجاز بودن ورود اطلاعات باشد، مگر اطلاعاتی که مجرمانه بودن آن محرز است. به چنین فرایندی، پالایش مبتنی بر فهرست سیاه گویند. سیاست دوم نیز تأکید بر آن دارد که جهت کاهش سلیقه‌گرایی باید به سمت طراحی شاخص‌های عملیاتی و عینی برای تشخیص و کشف محتوای مجرمانه چه توسط نیروی انسانی و چه توسط نیروی ماشینی برویم.

۳. بر اساس چالش میان پالایش و حریم خصوصی، پیشنهاد می‌شود که در پالایش باید سیاست «پالایش در حوزه ارتباط‌گر» یا «پالایش در حوزه انتشار» و نه پالایش در حوزه ارتباط‌گیر و دریافت را مورد اولویت قرار داد. این مسئله به‌ویژه در شبکه ملی اطلاعات دارای ضرورت بیشتر است.

۴. درنهایت نیز با توجه به فراگیری مصرف پالایش‌گریزی در کشور، توصیه می‌شود به دو دلیل از جرم‌انگاری این حوزه اجتناب شود: اولاً امکان اجرایی کردن آن وجود ندارد و ثانیاً باعث ایجاد فرهنگ قبح‌زدایی از قانون‌شکنی می‌شود.

پیشنهاد‌های پژوهشی

این مقاله، دو پیشنهاد پژوهشی را برای تحقیقات پسینی پیشنهاد می‌کند:

۱. اولین پیشنهاد، ناظر به موضوع «پالایش فضای مجازی و حریم خصوصی» است. در این زمینه، آنچه به‌عنوان یک مسئله پژوهشی، ارزش بحث کردن دارد، «چالش‌های حقوقی پالایش شبکه‌های اجتماعی (موبایلی)» و همچنین «چالش‌های حقوقی پالایش پست الکترونیک یا پیامک» است.

۲. دومین پیشنهاد نیز ناظر به مسئله «جرم‌انگاری تولید و فروش پالایش‌گریزی در نظام حقوقی ایران» است. این مسئله، دو سؤال را مدنظر دارد: اولاً تولید و فروش پالایش‌گریزی جرم است یا نه؟ با چه استنادهای حقوقی‌ای؟ و ثانیاً چه نظام سزادهی‌ای برای این عرصه مناسب است؟

منابع

- اسماعیلی، محسن. (۱۳۹۱)، *گفتارهایی در حقوق رسانه*، تهران: نشر شهر.
- افراسیابی، محمدصادق. (۱۳۹۰)، *شبکه‌های اجتماعی مجازی و سبک زندگی مطالعه موردی: جامعه مجازی ایرانیان (کلوب)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- انصاری، باقر. (۱۳۸۲)، «مقدمه‌ای بر مسئولیت مدنی ناشی از ارتباطات اینترنتی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)*، شماره ۶۲، صص ۹-۵۲.
- انصاری، باقر. (۱۳۸۷)، *آزادی اطلاعات*، تهران: دادگستر.
- انصاری، باقر. (۱۳۹۰الف)، *حقوق ارتباط جمعی*، تهران: سمت.
- انصاری، باقر. (۱۳۹۰ب)، *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سمت.
- بای، حسینعلی و پورقهرمانی، بابک. (۱۳۸۸)، *بررسی فقهی و حقوقی جرایم رایانه‌ای*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بل، دیوید. (۱۳۹۰)، *نظریه پردازان فرهنگ سایبری (رایا فرهنگ)*، ترجمه مهدی شفیعیان، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۴)، «پیشگیری وضعی از جرائم سایبر در پرتو موازین حقوق بشر»، *فقه و حقوق*، شماره ۶، صص ۱۳۳-۱۶۳.
- جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۶الف)، *تأملی بر فیلترینگ (اقدام پیشگیرانه از جرایم رایانه‌ای)*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین.
- جلالی فراهانی، امیرحسین. (۱۳۸۶ب)، «مزیت‌ها و محدودیت‌های فضای سایبر در حوزه‌های آزادی بیان، آزادی اطلاعات و حریم خصوصی»، *مجله حقوقی و قضائی دادگستری*، شماره ۵۹: صص ۶۱-۱۰۰.
- حیاتی، علی‌عباس. (۱۳۸۶)، *مقدمه علم حقوق*، تهران: میزان.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.
- شاه‌قاسمی، احسان. (۱۳۸۵)، «مروری بر زمینه‌های تأثیر فضای مجازی بر نظریه‌های ارتباطات»، *مجله جهانی رسانه*، شماره ۲.

- شکرخواه، یونس. (۱۳۷۰)، *واژه‌نامه پژوهش‌های ارتباطی و رسانه‌ای*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- عاملی، سعیدرضا. (۱۳۹۰)، *رویکرد دوفضایی به آسیب‌ها، جرایم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی*، تهران: امیرکبیر.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: اشجع.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۵)، «دیجیتالی شدن به سبک ایرانی و ایرانی شدن به سبک دیجیتال»، *رسانه*، سال هفدهم، شماره سوم، پیاپی ۶۷، صص ۲۵-۴۸.
- فریدمن، ب؛ بل، ال هن و لوکوچ، ج. (۱۳۸۷)، «راهبردهای دولتی برای ساماندهی مشترک اینترنت در آمریکا، اروپا و چین»، ترجمه محمدعلی نوری، *اطلاع‌رسانی حقوقی*، سال ششم، شماره ۱۴، صص ۱۷۱-۱۸۸.
- فریدونی، فرانک. (۱۳۸۷)، «درآمدی بر دانش واژگان هنرهای چندرسانه‌ای»، هنر، شماره ۷۸، صص ۲۹۶-۳۲۰.
- فضلی، مهدی. (۱۳۸۹)، *مسئولیت کیفری در فضای سایبر*، تهران: خرسندی.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۲)، *مقدمه علم حقوق و مطالعه نظام حقوقی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کوثری، مسعود، شاه‌قاسمی، احسان. (۱۳۸۸)، «تعاملی بودن در بازی یارانه‌ای، فراخوانی به خدمت»، *تحقیقات فرهنگی*، سال دوم، شماره ۷، صص ۱-۱۹.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۹۱)، *ارتباطات انسانی*، تهران: سمت.
- محسنیان‌راد، مهدی. (۱۳۸۲)، *ارتباط‌شناسی*، تهران: سروش.
- معتدندژاد، کاظم. (۱۳۷۹)، *حقوق مطبوعات: بررسی تطبیقی مبانی حقوق آزادی مطبوعات و مقررات تأسیس و انتشار آنها*، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- معتدندژاد، کاظم. (۱۳۸۹)، *جامعه اطلاعاتی؛ اندیشه‌های بنیادی، دیدگاه‌های انتقادی و چشم‌اندازهای جهانی*، تهران: میراث قلم.
- معین، محمد. (۱۳۶۰)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- مهدی‌پور، حسین. (۱۳۹۲)، *مقررات‌گذاری رادیو تلویزیونی در ایران: از وضعیت موجود*

تا وضعیت مطلوب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).
مهدی‌زاده، سیدمحمد. (۱۳۸۹)، *نظریه‌های رسانه؛ اندیشه‌های رایج و دیدگاه‌های انتقادی*،
تهران: همشهری.

- Bell, David & Loader, Brian D. & Pleace, Nicholas & Schuler, Douglas (2004). *Cyberculture; The Key Concepts*, Routledge: New York.
- Campbell, Angela J (1999). "Self-Regulation and the Media", *Federal Communications Law Journal*, Vol. 51, No. 3, 711-771.
- Greenfield, Paul & Rickwood, Peter & Tran, Huu Cuong (2001), *Effectiveness of Internet filtering Software Products*, CSIRO.
- Kung, Lucy & Picard, Robert G. & Towse, Ruth (2008), *The internet and the mass media*, Los Angeles: Sage.
- Mopris, William (1982). *the American heritage dictionary of the English language*, Boston: American Heritage Publishing Co., Inc.
- Nayar, Pramod K (2010). *The new media and cybercultures anthology*, West Sussex: Wiley-Blackwell.
- Rafaeli, S (1988). "Interactivity: From new media to communication", *Sage Annual Review of Communication Research: Advancing Communication Science*, Vol. 16: 110-134.
- Summer, Della (2008), *Longman dictionary of contemporary English*, Essex: Pearson.
- Tavani. Herman T (2007). "Regulating cyberspace concepts and controversies", *Library Hi Tech*, Vol. 25 No. 1, pp. 37-46.
- Wehmeier, sally (2005), *Oxford advanced learner's dictionary of current English*, Oxford: Oxford university press, 7th edition.
- (تاریخ مشاهده: ۹۴/۵/۱۶) <http://www.mashregnews.ir/>